

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشگاه آزاد اسلامی

واحد تهران مرکزی

دانشکده ادبیات و علوم انسانی، گروه تاریخ

پایان نامه برای دریافت درجه کارشناسی ارشد (M.A)

گرایش: باستان‌شناسی پیش از تاریخ

عنوان:

برهم کنش دوره فرهنگی آغاز نگارش در فلات مرکزی و مقایسه تطبیقی با جنوب غربی ایران

استاد راهنما:

دکتر مرتضی حصارى

استاد مشاور:

دکتر فرشید ایروانى قدیم

پژوهشگر:

محمد شریف مرادسلطان

زمستان ۱۳۹۱



سازمان پژوهش و فناوری

به نام خدا

مشور اخلاق پژوهش

بیاباری از خداوند سبحان و اعتماد به این که عالم محضر خداست و همواره ناظر بر اعمال انسان و به منظور پاس داشتن مقام بلند دانش و پژوهش و نظریه‌آزمایی
جایگاه دانشگاه و استلزامی فرهنگ و تمدن بشری، نادانشجویان و احسان به است علمی و اخلاقی دانشگاه آزاد اسلامی مشهد می‌گردیم اصول زیر را در انجام
فعالیت‌های پژوهشی به نظر قرار داده و از آن تعهد می‌کنیم:

- ۱- اصل برابری: التزام به برابری جویی از مرکز و رفتار غیر حرفه‌ای و اعلام موضع نسبت به کسانی که حوزه علم و پژوهش را به مثابه‌های غیر علمی می‌آزمایند.
- ۲- اصل رعایت انصاف و امانت: تعهد به اجتناب از حرکات جانب‌داری غیر علمی و سواست از اموال، تجهیزات و منابع در اختیار.
- ۳- اصل ترویج: تعهد به رواج دانش و ارائه نتایج تحقیقات و انتقال آن به همکاران علمی و دانشجویان به غیر از مواردی که منع قانونی دارد.
- ۴- اصل احترام: تعهد به رعایت حریم‌ها و حرمت‌ها در انجام تحقیقات و رعایت جانب‌داری خود و خودداری از حرکات بی‌حرمت‌کننده.
- ۵- اصل رعایت حقوق: التزام به رعایت کامل حقوق پژوهشگران و پژوهش‌مندان (انسان، حیوان و نبات) و سایر صاحبان حق.
- ۶- اصل رازداری: تعهد به صیانت از اسرار و اطلاعات محرمانه افراد سازمان، دانشجویان و کلیه افراد و نهاد‌های مرتبط با تحقیق.
- ۷- اصل حقیقت‌جویی: تلاش در راستای پی‌جویی حقیقت و وفاداری به آن و دوری از حرکات پنهان‌سازی حقیقت.
- ۸- اصل مالکیت‌مندی و مسئولیت: تعهد به رعایت کامل حقوق مادی و معنوی دانشگاه و کلیه همکاران پژوهش.
- ۹- اصل منافع ملی: تعهد به رعایت منافع ملی و در نظر داشتن پیشبرد و توسعه کشور و کلیه مراحل پژوهش.

تقدیم به

همسر عزیزم که در تمامی مراحل تحصیل، با
محبت مشقات آن را با سعه صدر تحمل نمود
و با مهربانی‌هایش یآوری بوده تا این بار گران
به سر منزل مقصود رسد.

قلب آسمانی پدر و مادر عزیزم که از هیچ
یاری و بذل محبتی دریغ نورزیدند تا سختی های
زندگی برایم هموار گردد دستهایتان را می بوسم...

و تمام کسانی که قلبشان برای ایران می تپد...

منت خدای را عزوجل که طاعتش موجب قربتست و به شکر اندرش مزید نعمت و...
خدای مهربان را سپاسگزارم که هرگز تنهایی نگذاشت و تنهاییم را با وجودش آکنده نمود

تشکر و قدردانی

نیل به این مهم میسر نبود اگر استاد گرانقدر جناب آقای دکتر مرتضی حصارى همچون چراغی روشنگر پیش رویم نبود، معلمی که فراتر از تدریس، راهنمای گذر از فراز و نشیبهای زندگیم بوده و بی دریغ تندبادهای ساهای تحصیلم را برایم، سپری بی منت بود. بی شک این چند خط نمی تواند حتی گوشه ای از مهربانی هایش را جبران نماید ولیکن نشانه ایست از بزرگواریهایش.

پیشرفت و رسیدن به نقطه حاضر نیز مرهون راهنماییهای ارزشمند استاد عزیزم، جناب آقای دکتر فرشید ایروانی قدیم است که از بدو ورود، افتخار شاگردیش را داشته‌ام. استادی که فراتر از دروس دانشگاهی با نگاهی ویژه مسیرهای لازم در راه رسیدن به اهداف علمی و عملی را، نیز برایم یادآور بوده و خواهد بود

بر خود واجب می دانم از کلیه اساتید و بزرگوارانانی که طی این چند سال زحماتی گران را از سوی من پذیرا بودند و مرا یاری نمودند سپاسگزاری نمایم.

تعهد نامه اصالت پایان نامه کارشناسی ارشد

اینجانب محمد شریف مرادسلطان دانش آموخته مقطع کارشناسی ارشد ناپیوسته به شماره دانشجویی ۸۹۰۹۷۴۶۲۵۰۰ در رشته باستان شناسی که در تاریخ ۸۸/۱۱/۲۷ از پایان نامه خود تحت عنوان برهم کنش دوره فرهنگی آغاز نگارش در مرکز فلات ایران و مقایسه تطبیقی با جنوب غربی با کسب نمره ۱۹/۲۵ و درجه عالی دفاع نموده ام بدینوسیله متعهد می شوم :

۱- این پایان نامه حاصل تحقیق و پژوهش انجام شده توسط اینجانب بوده و در موارد که دستاوردهای علمی و پژوهشی دیگران (اعم از پایان نامه، کتاب، مقاله و...) استفاده نموده ام، مطابق ضوابط و رویه های موجود نام منبع مورد استفاده و سایر مشخصات آن را در فهرست ذکر و درج کرده ام .

۲- این پایان نامه قبلاً برای دریافت هیچ مدرک تحصیلی (هم سطح، پایین تر یا بالاتر) در سایر دانشگاه و موسسات آموزش عالی ارائه نشده است .

۳- چنانچه بعد از فراغت از تحصیل، قصد استفاده و هر گونه بهره برداری اعم از چاپ کتاب، ثبت اختراع و... از این پایان نامه داشته باشم، از حوزه معاونت پژوهشی واحد مجوزهای مربوطه را اخذ نمایم .

۴- چنانچه در هر مقطع زمانی خلاف موارد فوق ثابت شود، عواقب ناشی از آن را بپذیرم و واحد دانشگاهی مجز است با اینجانب مطابق ضوابط و مقررات رفتار نموده و در صورت ابطال مدرک تحصیلی ام هیچگونه ادعایی نخواهم داشت .

نام و نام خانوادگی : محمد شریف مرادسلطان

تاریخ و امضا

بسمه تعالی

در تاریخ ۲۰ / ۱۰ / ۱۳۹۱ دانشجوی کارشناسی ارشد آقای محمد شریف مرادسلطان از پایان نامه خود دفاع نموده و با نمره ۱۹,۲۵ به حروف نوزده و بیست و پنج صدم تمام و با درجه عالی مورد تصویب قرار گرفت.

امضای استاد راهنما

فهرست مطالب

صفحه

عنوان

فصل اول: کلیات

الف : جغرافیا، محیط زیست و تقسیم بندیهای جغرافیای فرهنگی

- ۱: جغرافیا و تقسیم بندی های جغرافیای فرهنگی ایران ۲
- ۱-۱: گستره جغرافیایی فلات بزرگ ایران ۲
- ۲-۱: تقسیم بندی جغرافیای فرهنگی ایران از منظر باستان شناسی ۳
- ۲: جغرافیای منطقه مورد مطالعه ۱۶ ۴
- ۱-۲: موقعیت جغرافیای و زیست محیطی جنوب غرب ایران ۴
- ۲-۲: موقعیت جغرافیای و زیست محیطی مرکز فلات ایران ۵

ب: روش شناسی کار

- ب-۱ بیان مسئله ۹
- ب-۲ سؤال (ها) ۱۰
- ب-۳ فرضیه (ها) ۱۰
- ب-۴ هدف(ها) ۱۱
- ب-۵ روش کار ۱۱

فصل دوم : آغاز نگارش

الف : تعاریف و شاخص های کلی دوره آغاز نگارش

- الف ۱: تعاریف دوره آغاز نگارش ۱۲
- الف ۲: تقسیم بندیهای دوره آغاز نگارش ۱۵
- الف ۱-۱: دوره آغاز نگارش اولیه ۱۶
- الف ۲-۱: دوره گذار از فاز آغاز نگارش اولیه به پیشرفته ۱۶
- الف ۳-۱: دوره آغاز نگارش پیشرفته ۱۶
- الف ۱-۳-۱: افق فرهنگی پیشا ایلامی ۱۷

ب: شاخص های باستان شناسی دوره آغاز نگارش

- ب-۱ معماری ۲۱

- ب ۲- سفال..... ۲۳
- ب ۳- ابزار و ادوات نظام مدیریت اداری..... ۲۹
- ب ۳- ۱- تعریف نظام مدیریت اداری..... ۲۹
- ب ۳- ۲- ابزار و ادوات مدیریت اداری..... ۳۲
- ۱: کالانشان ها..... ۳۲
- ۲: گوی های گلی..... ۳۴
- ۳: الواح نگارشی..... ۴۴
- ۴: مهرها و اثر مهرها..... ۵۲
- ۵: گل خط ها..... ۶۱

فصل سوم: شاخص های باستان شناسی آغاز نگارش در جنوب غربی و مرکز فلات ایران

- الف: شاخص های باستان شناسی در جنوب غربی ایران..... ۶۳
- الف ۱: شوش..... ۶۴
- الف ۲: چغامیش..... ۷۵
- الف ۳: تل گسر..... ۸۲
- الف ۴: فروخ آباد..... ۸۵
- الف ۵: ابوفندوا..... ۸۸
- الف ۶: تل بلادیه..... ۹۱
- ب: شاخصهای باستان شناسی در مرکز فلات ایران..... ۹۴
- ب ۱: تپه سفالین..... ۹۵
- ب ۲: تپه قلی درویش..... ۱۰۲
- ب ۳: تپه ازبکی و اقمار..... ۱۰۸
- ب ۴: تپه سیلک..... ۱۱۰
- ب ۵: اریسمان..... ۱۱۳
- ب ۶: سگزآباد..... ۱۱۵
- ب ۷: تپه قبرستان..... ۱۱۷
- ب ۸: تپه حصار..... ۱۱۸
- ب ۹: گودین تپه..... ۱۲۱

فصل چهارم: برهم کنش و مقایسه تطبیقی مناطق مورد پژوهش

- الف: گاهنگاری جنوب غرب ایران در اواخر دوره پیش از تاریخ و آغاز تاریخی ۱۲۴
- ب: گاهنگاری مرکز فلات ایران در اواخر دوره پیش از تاریخ و دوره آغاز تاریخی ۱۳۶
- ج: بررسی کنش های موجود در دو منطقه و مقایسه تطبیقی ۱۳۹
- جمع بندی ۱۴۱
- تصاویر ۱۴۹
- نمودارها ۲۱۸
- منابع ۲۲۳

چکیده

در این پایان نامه سعی بر آن است تا کنشهای فرهنگی میان منطقه ای دوره آغاز نگارش در فلات مرکزی ایران بررسی و تاثیر و تاثرات متقابل آن در حوزه فرهنگی جنوب غربی که به نوعی گهواره شکل گیری آن می باشد مورد مطالعه قرار گیرد از این روی در ابتدا پس از توضیح و تشریح مفهوم آغاز نگارش ، به مطالعه شاخصهای آن می پردازیم و سپس نوع گسترش و شیوه بکار گیری این ادوات و شواهد باستانی را مورد پژوهش قرار می دهیم در بدو امر مسلم است آغاز نگارش یک پدیده آنی نبوده و طی هزاره ها به تکامل رسیده تا جایی که در مقطعی از زمان که بازه زمانی هزاره چهارم پیش از میلاد را شامل میگردد به نقطه اوج و بروز خود رسیده است . شواهد رشد و نمو این پدیده ابتدا در حوزه فرهنگی جنوب غربی پیگیری می گردد و نهایتا به حوزه های مختلف فرهنگی ایران با گستره های متفاوت شیوع می یابد آغاز این دوره نیز بدون شک در تعامل با منطقه میان رودان (بین النهرین) نیز می باشد چرا که در این مقطع زمانی شان به شان ، این دو منطقه با هم در اعتلای تمدن با نگرشی متفاوت در حال رقابت می باشند . مطالعات کاوشهای چند دهه گذشته نشان داده به غیر از این مناطق ، با کمی تاخر زمانی در حوزه های دیگر نیز این فرهنگ رشد نموده و حتی به صورت بومی درآمده و مسیرهای مشابه و متفاوتی را نیز طی نموده است تا نهایتا در اواخر هزاره چهارم و اوایل هزاره سوم پیش از میلاد تحت عنوان دوره فرهنگی پیشا ایلامی به اوج خود رسیده است

فصل اول

کلیات

الف : جغرافیا، محیط زیست و تقسیم بندیهای جغرافیای فرهنگی

۱: جغرافیا و تقسیم بندی های جغرافیای فرهنگی ایران

۱-۱: گستره جغرافیایی فلات بزرگ ایران:

فلات بزرگ ایران از شمال به دریای خزر و جلگه های مجاورش از جنوب به دریای عمان و خلیج فارس از شرق به دره های سند و پنجاب و از غرب به رودخانه های دجله و فرات و دشتهای همجوار در میان رودان منتهی می گردد . این حوزه جغرافیایی بطور متوسط ۱۲۰۰ متر از سطح دریا ارتفاع داشته و ۲,۶۰۰,۰۰۰ کیلومتر مربع را شامل می گردد فلات ایران از شرق توسط فلات تبت و در غرب با فلات آناتولی محاط شده است . این فلات بدنبال چین خوردگیهای جوان دوران سوم زمین شناسی شکل گرفته و صفحه عربستان در این دوره به زیر آن غلتیده است . سرزمین کنونی ایران بخشی عمده از این فلات را اشغال نموده و ۶۳٪ آن را به خود اختصاص داده است البته بخشی از خاک ایران در بیرون از این فلات واقع شده است که از آن جمله می توان از دشت خوزستان و کرانه های خلیج فارس، دریای عمان در جنوب ، سواحل جنوبی دریای خزر در شمال نام برد.

ایران در نیمکره شمالی و بین مدار ۲۵,۳ درجه جنوبی و ۳۹,۴۷ درجه شمالی از مدار مبدا و بین نصف النهار ۴۴,۵ غربی و ۶۳,۱۸ شرقی نسبت به مبدا گرینویچ واقع شده است منطقه بزرگی که ایران در آن قرار دارد به خاور میانه شهرت داشته که از دیر باز مهد شکل گیری تمدنها و چالشهای بشری تا به امروز بوده است منطقه ای که اهلی سازی و دامداری و فرهنگ روستا نشینی ، شهر نشینی و شکل گیری امپراتوریهها در آن صورت گرفته است این منطقه بیش از نیمی از منابع حیاتی بشری را در خود جای داده است . اما ایران ، با توجه به فواصل مختلفش با خط استوا دارای آب و هوایی متنوع از گرم و معتدل و سرد می باشد چندین حوزه آبی مهم از جمله دریای خزر ،

خلیج فارس، دریای عمان، و رودخانه های کارون، ارس، دز، هلیل رود، اروند رود، هیرمند با شعباتشان ، موجب شکل گیری تمدن ها و فرهنگ های زیادی در این منطقه شده است کشور امروزی ایران همچون پلی شرق را به غرب متصل می نماید که این موقعیت استراتژی آن از دیرباز چشم طمع همسایگان را به خود جلب نموده است . " رنه گراسه " محقق فرانسوس ایران را چهار راه تاریخ معرفی می نماید.

رشته کوه های البرز و زاگرس چون ستبری نوار شمالی و غربی ایران را پوشانده اند و از قضا بستر مناسبی برای بروز پدیده های متعدد فرهنگی بوده اند . امتداد زاگرس از شمال غربی تا نزدیکی های مرکز جنوب به طول ۱۸۰۰ کیلومتر و عرض ۲۵۰ کیلومتر ویژگیهای خاص اقلیمی را پدید آورده است در سویی دیگر البرز از شرق تا غرب به زاگرس متصل می گردد و ۱۲۰۰ کیلومتر طول و ۱۰۰ کیلومتر عرض دارد . گذرگاههای مهم شمال غربی و شمال شرقی این رشته کوه محل گذر و ورود اقوام آریایی به این سرزمین طی هزاره ها بوده اند. بریدگی های شاه کوه در هزاره دوم پ. م موج آخر ورود آریائیها را صورت داده است. بطور کلی مجاورت با میان رودان در غرب و همسایگی با موهنجودارو و فرهنگهای حاشیه رود سند و در شما با فرهنگ کورا ارس (ماوراء قفقاز) و گذرگاه ابریشم موقعیتی کم نظیر را بوجود آورده است.

۲-۱: تقسیم بندی جغرافیای فرهنگی ایران از منظر باستان شناسی:

باستان شناسان در رابطه با تقسیم بندیهای ایران نظریات متفاوتی را ارائه نموده اند. اهلرز بر اساس کشور شناسی علمی و شرایط طبیعی در پارینه سنگی، مک کان بر اساس رنگ سفال، لویی و اندنبرگ بر اساس مناطق جغرافیای، فیلیپ اسمیت بر مبنای جغرافیای طبیعی ساختارهای متفاوتی را نشان داده اند ولیکن یکی از جامع ترین این نظریات توسط آقای صادق ملک شه میرزادی از باستان شناسان نامی ایران می باشد که به نوعی مبنای پژوهش حاضر نیز می باشد. وی ایران را به ۹ حوزه طبیعی - فرهنگی تقسیم بندی نموده است که بدین قرار می باشند:

۱- منطقه جنوب غربی و شمال جنوب غربی شامل خوزستان، دهلران در همجواری میان رودان و ارتفاعات زاگرس و شمال خلیج فارس

۲- منطقه کرمانشاه و غرب شامل قسمتهای مرکزی ارتفاعات زاگرس و کوهپایه های آن. اکثر مناطق پیش از تاریخی ایران در دوره نوسنگی در این حوزه قرار دارد.

۳- منطقه آذربایجان و شمال غرب شامل زاگرس و شرق تا اردبیل که به حوزه خزر محدود می گردد.

۴- منطقه شمال ایران شامل از جنوب شرق تا اردبیل و سواحل جنوبی جزر و دشت گرگان و در جنوب تا البرز

۵- منطقه مرکزی فلات ایران شامل منطقه واقع در جنوب رشته کوه البرز در شرق و شمال شرق با حاشیه کویر و دشت لوت و از غرب با دامنه های زاگرس

۶- منطقه شمال شرقی شامل نواحی شرقی دشت گرگان و بخش هایی از خراسان تا رشته کوه های کوپت داغ عشق آباد ترکمنستان

۷- منطقه شرقی شامل سیستان و بلوچستان و بخش های جنوبی خراسان که از غرب و شمال غرب با دشت لوت و مرکز فلات ایران مرتبط است.

۸- منطقه جنوب شرقی ایران شامل مناطق وسیعی از کرمان و مکران و جنوب سیستان و بلوچستان

۹- منطقه جنوب شامل جلگه های فارس و بخشهای جنوب و جنوب غرب ارتفاعات زاگرس و نواحی شمالی خلیج فارس.

این نواحی دارای نقاط تلاقی و مرزهای مشترکی است و از اینرو گسترش و اشاعه فرهنگ ها در این مناطق با رویکردها و چالشهایی روبرو بوده است .

موضوع این پژوهش با اینکه دوره آغاز نگارش در سراسر ایران از خود ردپایی بر جای گذاشته ، متمرکز بر مهد شکل گیری آن یعنی جنوب غربی ایران و مناطق همجواریش در میان رودان با حوزه فرهنگی موسوم به مرکز فلات ایران می باشد. از این رو ابتدا شرایط زیست محیطی و جغرافیای جنوب غربی بررسی و سپس مشخصات جغرافیای مرکز فلات ایران را ذکر خواهیم نمود

۲: جغرافیای منطقه مورد مطالعه

آنچه در این پژوهش از اهمیت بسزایی برخوردار است منطقه جنوب غربی و مرکز فلات ایران می باشد که با مناطق دور و نزدیک نیز در ارتباط بوده اند البته مبادلات فرهنگی بدون شک در همه جای این حوزه وسیع در حال انجام بوده ولی بصورت موردی در خصوص این دو منطقه شرح داده خواهد شد منطقه ای همچون گردن آویزی از تقاطع زاگرس و البرز در غرب تا منتهی الیه شرقی البرز در خراسان به نحوی که میانه آن تا شمال کویر کشیده شده است و تحت عنوان مرکز فلات از آن نام می بریم و البته گوشه کشیده شمالی جنوبی غرب زاگرس که با منطقه میانرودان مجاورت دارد و بعنوان سرزمینهای پست جنوب غربی می شناسیم



۱-۲: موقعیت جغرافیای و زیست محیطی جنوب غرب ایران

منطقه جنوب غرب ایران معمولاً در مطالعات باستان شناسی خاور نزدیک بطور آلترناتیوی یا به عنوان بخشی از سرزمین ایران قلمداد می‌شود، (نگهبان ۱۳۷۵، ملک ۱۳۷۸، هول ۱۹۸۶) یا به عنوان بخشی از سرزمین بین‌النهرین بزرگ. (روثمن ۲۰۰۱، الگازه ۱۹۹۳) این محدوده جغرافیایی که چیزی فراتر از تقسیمات کشوری استان خوزستان کنونی را در بر می‌گیرد، شامل بخشی از استان‌های ایلام، کوهپایه‌های بختیاری و کهگیلویه و لرستان در شمال و شمال شرق می‌باشد که با شیب ملایمی به سوی جنوب تا سواحل خلیج فارس امتداد یافته است. (سرداری ۱۳۸۴) (تصویر ۱)

حدود شمال غربی - جنوب شرقی آن بوسیله ارتفاعات زاگرس که هر قسمت نام خاص دارد تعیین شده است و در غرب با سرزمین پست و آبرفتی بین‌النهرین همجوار است. بنابراین خوزستان فرهنگی از جهت شمال غربی - جنوب شرقی به شکل طبیعی از فلات مرکزی و قسمت‌های شمالی

جدا شده است که از یک نگاه می‌توان آنرا بصورت یک واحد بزرگ فرهنگی با هویت فرهنگی مشخص مورد مطالعه قرار داد. (ملک ۱۳۷۸، ۵۰۳) از طرف دیگر با توجه به تقسیمات جزئی‌تری که در بین دشتهای دهلران، شوشان غربی و شوشان شرقی ایجاد گردیده، می‌توان به تحلیل‌هایی محلی و جزئی از این منطقه دست یافت. (رایت و جانسون ۱۹۷۵، ۲۶۷) علاوه بر دشت شوشان، تا شمال غرب در طول کوهپایه‌های زاگرس، دشتهای کوچکتر مهران و دهلران وجود دارند؛ در حالیکه در جنوب شرق دشتهای کوچکتر رامهرمز و بهبهان وجود دارد. دره‌های کوچکتری نیز در رشته کوههای این منطقه واقع شده که در مسیرهایی برای دسترسی به دره‌های بزرگ دیگر قرار گرفته‌اند و اکثریت این دره‌ها و دشتهای موضوعات یک یا چند بررسی باستان‌شناختی بوده‌اند. (رایت و جانسون ۱۹۷۵).

این دره‌ها و دشتهای میان کوهی خود دارای سنت و فرهنگی خاص محلی بوده‌اند که گاه برای مدت‌های نسبتاً طولانی تداوم می‌یافتند، ولی به دلیل موانع و محدودیت‌هایی که این فرهنگ‌های کوهپایه‌ای برای پیشرفت و گسترش داشتند، باعث می‌گردید که جرقه‌های رشد و نمو حکومت و شهرنشینی در آنها خاموش گردد. اما بالعکس، در دشتهای گسترده‌ای مانند دشت شوشان یا میان رودان، این گونه محدودیت‌ها وجود نداشت. بنابراین می‌بینیم که در شوشان و جنوب بین‌النهرین، مکان‌های باستانی سابقه اسکان بسیار طولانی‌تر از مکانهای کوهپایه دارند که رابطه مستقیم با چرخه اقتصادی دراز مدت در این مناطق داشته است. امکان به زیر کشت بردن زمین بیشتر در یک نظام آبیاری و نزدیک شدن کشتزارها و کانون‌های فرهنگی به یکدیگر سبب می‌شود که حس حفظ قلمرو به ساختارهای قبیله‌ای جنبه سیاسی دهد. در چنین مرزبندی‌های زیست محیطی، نیاز به مواد اولیه موجود در کوهپایه‌ها خود را به شکل داد و ستد کالا نشان می‌دهد. (علیزاده ۱۳۸۰، ۲۱۰)

بدین سان موضوع بسیار مهم و حیاتی در دشت خوزستان، بهره‌برداری و استفاده از آب رودخانه‌هایی است که بدین دشت سرازیر می‌شوند. ساکنان این دشت، چه در دوران پیش از تاریخ و چه دوره تاریخی توانسته‌اند با وسایل مصنوعی، مانند سدها و آبراهها، آب را در سطح زمین جاری سازند. (نگهبان ۱۳۷۵) سه رودخانه بزرگی که در مرکز این دشت به هم نزدیک می‌شوند، شامل کارون از شرق، دز از شمال و کرخه از شمال غرب هستند، در حدود ۱۰۰۰۰۰ کیلومتر مربع از

کوههای زاگرس را تخلیه می‌کنند. این رودها که توسط بارش شدید در کوهها ایجاد می‌شوند حیاتی هستند، زیرا کشاورزی دیم حتی در ماههای پر بارش زمستان، به اهمیت کشاورزی آبی نیست. رودها مسیر سه ناودیس زمین شناختی در جهت شمال غرب - جنوب شرقی را دنبال می‌کنند و مناطق بین این رشته ناودیس‌ها یک سری دشتهای مستقل را شکل می‌دهند. (سرداری ۱۳۸۴)

دشت شوشان در دوره پیش از تاریخ دست کم در طی دو هزار سال آباد و پر جمعیت بوده و برای مدتی بعد بدست بشر دچار دگرگونی شد و منظره آن جلوه طبیعی خود را از دست داد. در آغاز هزاره پنجم ق. م با مالکیت مشترک کشاورزی - دامداری کاملاً شکل گرفته‌ای مواجهیم. هر مجتمع می‌بایست یک یا چندین واحد مسکونی را برای سکونت خانواده‌های گسترش یافته منظور کرده باشد. دشت مورد نظر در منطقه‌ای بین کوهپایه‌های زاگرس در شمال تپه‌های دزفول و تپه‌های هفت تپه و در میان کارون و کرخه مسکونی شده است. در تمامی نقاط آن هیچ بخشی از امتیاز و برتری ویژه‌ای برخوردار نبوده است و تراکم جمعیت اندک به نظر می‌رسد. به استثنای بخش مرکزی که شوش بوده و در آن شبکه تأسیسات و قرارگاهها بصورت فشرده‌تری بخود گرفته، روستاها به فاصله دست کم پنج کیلومتر از یکدیگر قرار داشتند و در سراسر نیمه نخستین هزاره پنجم ق. م نمای کلی پراکندگی و توزیع چندان تحولی نمی‌یابد. (دولفوس ۱۹۸۵، ۱۴۱)

بنابر آنچه گفته شد دشت شوشان را می‌توان بر اساس دو حوضه آبریز رودخانه شاتور و دز، که مهمترین استقرارها در کنار آنها شکل گرفت، به دو قسمت کوچکتر شرقی و غربی تقسیم کرد. حوضه شوشان غربی دارای تپه‌های باستانی واقع در نزدیک رودخانه شاتور، شامل تپه‌های شوش، جعفرآباد، بندبال، بوهلان، جوی و ابوفندوا می‌باشد که در واقع مهمترین محوطه این بخش شوش است. حوضه شوشان شرقی نیز در اطراف رود دز واقع شده که مکان‌های پیش از تاریخی بنه فضیلی، چغا بنوت، چغامیش، تل قضیر و تولایی را در بر خواهد گرفت و چغامیش به عنوان محل مرکزی، دارای پیشینه‌ای از دوره شوشان عتیق بوده است. (ملک ۱۳۷۸، ۲۰۶)

علاوه بر تپه‌های مذکور، می‌توان از محل‌های پیش از تاریخی دیگری نیز نام برد که از اوایل هزاره هفتم تا ۳۵۰۰ پ.م یک صدوسه محوطه استقرار در این سرزمین مورد بررسی و شناخت

قرار گرفته است. مهمترین ویژگی موقعیت محوطه‌های مسکونی یاد شده، نزدیک بودن آنها به یکدیگر بوده است. این محوطه‌های باستانی بدون استثنا کوچک بوده و وسعت بیشتر آنها از یک یا دو هکتار تجاوز نمی‌کرده است. حتی برخی، از این اندازه هم کوچکتر بوده‌اند، اما ارتفاع زیاد آنها حاکی از آن است که بی وقفه و برای مدتهای طولانی مسکونی بوده‌اند. (سرداری ۱۳۸۴)

۲-۲: موقعیت جغرافیای و زیست محیطی مرکز فلات ایران:

فلات مرکزی ایران یا مرکز فلات ایران؟

سالیان طولانی است که باستان شناسان از واژه فلات مرکزی ایران، در بحث های منطقه ای نام می‌برند. برآستی منظور از فلات مرکزی ایران چیست و آیا عنوان فلات مرکزی صحیح است؟

فلات در واقع به مفهوم سرزمین بلند و مرتفع است و از گذشته جغرافیدانان به سرزمین ایران بواسطه اینکه به طور متوسط از سرزمین های کناری خود بلندتر بوده فلات ایران نام نهاده اند. البته فلات های دیگری در همسایگی فلات ایران مانند فلات پامیر، هیمالایا و تبت نیز هستند. فلات ایران متشکل از چند رشته کوهستان مرتفع شامل زاگرس در شمال غرب تا جنوب و جنوب غرب، البرز در شمال و همچنین چندین رشته کوه در نواحی مرکزی همانند کمربند ارومیه _ دختر وجود دارد. از این مقدمه ما نتیجه می‌گیریم که سرزمین ایران در واقع یک فلات وسیع و نسبتا مرتفع است. حال وقتی که گفته می‌شود فلات مرکزی بدان معناست که ایران دارای فلات های دیگری نظیر فلات شمالی یا شرقی هم هست و این اصلا درست نیست. در واقع اشتباه از آنجا ناشی می‌شود که برخی باستان شناسان واژه فلات مرکزی را مستقیما از واژه انگلیسی **Central Plateau** گرفته اند و آن را به فلات مرکزی ترجمه کرده اند. در صورتی که واژه معادل فارسی این ترکیب مرکز فلات ایران است .